



احمد غلامی

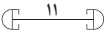
زمانی بدن آدمی به‌مثابه جسم، اهمیتی غیرجسمانی داشت؛ یعنی فراتر از جسمیت خودش بود. از همین رو بود که پادشاهان پس از مرگ مخالفان یا نایبان خود دست از جسم آنان برنمی‌داشتند و چنان با جسد محکومان با خشونت رفتار می‌کردند که گویا هر لحظه آنان احیا شده و به انتقام برخوانند خاست؛ جنگیدن با بدن، با تنی که امکان هرگونه بازگشت را ناممکن می‌کند. برای اینکه خشونت تاریخی بر بدن را از سوی حاکمان دریابیم، به سراغ ایده اسپینوزا برویم که مرگ را چیزی جز از بین رفتن نسبت‌های اعضای بدن نمی‌داند. گسست و تجزیه این نسبت‌های بدن بعد از مرگ، ایجاد نسبت‌های دیگر با چیزهای دیگر است. با برداشتی ساده‌لرانه این ایده رعب‌انگیز به نظر می‌رسد. ما می‌میریم؛ اما جسم ما وارد نسبت‌های دیگری با خاک، هوا و موجودات دیگر می‌شود و تجسد می‌یابد. در گذشته برای حاکمان، مرگ مخالفان باید به گونه‌ای رخ می‌داد تا حتی احمای این نسبت‌ها غیرممکن شود و آنان از شر جسد این آدم‌ها در امان باشند. شاید دلیل خشونت نامتعارفی که با بدن محکومان انجام می‌شد، از همین ایده بازگشت و مسدودکردن هرگونه تجسد مجدد بوده باشد. تکه‌تکه‌کردن بدن و هر تکه آن را در جایی انداختن بیش از آنکه برای ایجاد ترس و وحشت باشد، که هست، نوعی سروش‌گذاشتن بر ترس خود از بازگشت این محکومان در تجسودی پیش‌بینی‌ناپذیر است. این حاکمان به غریزه دریافته بودند این بدن‌ها به دلایل ناعادلانته‌ای که مرده‌اند، قادرند به بدن‌های دیگر برای مبارزه و انتقام شکل بدهند؛ «بدن‌های اجتماعی» که کنش سیاسی‌شان دردسرسازترین خواهد شد. پس باید هم از شر محکومان خلاص شد و هم از نسبت‌های تازه‌ای که آنان ایجاد خواهند کرد. تاریخ غرب و شرق جهان پر از مواجهه خشونت‌بار با محکومان است. نمونه آن در غرب در قرون وسطا و در دوره مدرن خشونت‌ورزی با یهودیان است؛ زنده‌سوزی آدم‌ها که هنوز در تاریخ خشونت‌ورزی بی‌بدیل است. شاید وحشت از بازگشت این محکومان است که دنیای غرب را وامی‌دارد تا بازماندگان را به سرزمین‌های فلسطینی گسیل دارد تا این انتقام تاریخی را به انحراف بکشاند. در تاریخ سرزمین ایران نیز بسیاری از حاکمان که بر مردم ایران استیلا یافتند، دست به جنایت‌های هولناکی زدند و آگاهانه ترس از این بدن‌ها را به نمایش عمومی درآوردند؛ به‌ویژه اگر این محکومان جزء خواص بوده‌اند، خواصی که خود از جنس سیاست بوده‌اند و عالم به علم سیاست. مورد «ابن‌مقفع» یکی از جالب‌ترین این موردهای تاریخی است؛ نام پدر ابن‌مقفع ابومحمد عبدالله دادویه از اشراف فارس بود و چون در کار گردآوری خراج خلفای از او سر زد، حجاج‌بن یوسف، حاکم عراق او را شکنجه کرد و دست او ناقص-یعنی مَقْفَع شد- و از این‌رو ابوعبدالله را ابن‌مقفع خواندند. ابن‌مقفع حدود ۱۰۶ هجری در فیروزآباد فارس زاده شد و پیش از گرویدن به اسلام زنده نام داشته است. او زبان پهلوی را در فارس فراگرفته بود و زمانی که با پدر خود به بصره رفت، عربی را در محضر فصیحی عرب آموخت، تا جایی که در زمره نخستین نویسندگان عرب درآمد. او نخست در خدمت امویان بوده اما از آن پس به عباسیان پیوست. گویا در حدود ۱۲۳ هجری اسلام آورد. ابن‌مقفع به سال ۱۴۲ به دستور سفیان به کاخ امارت خوانده شد و به دستور هم‌او نیز اعضای بدن او را بریدند و در تور انداختند. گفته‌اند که مهم‌ترین دلیل اعدام زندقی با اعتقاد به دین مانی بوده است» در اینجا آنچه مهم است، سرنوشت نام‌گذاری متافیزیکی ابن‌مقفع است. مردی که تجسم مرگش در نام‌گذاری‌اش تبلور یافته است. گویا مردم پیشاپیش سرنوشتش را، تکه‌تکه‌شدنش را دریافته و به یقین تبدیل کرده‌اند. ابن‌مقفع یکی از ایرانیان خردمند را می‌یافتیم به دربار عباسیان بود که تلاش کرد قدرت سیاسی این خاندان را با دستگاه فکری سیاست‌ورزی ایرانیان سامان بدهد. به همین منظور «کلیله و دمنه» را که بیش از هر چیز، متنی سیاسی است و روش و حکمت سیاست‌ورزی را می‌آموزاند، به عربی برگرداند تا همراه با برگردان عربی کتاب «تیسر» که یکی از متون ارزشمند سیاسی دوره پهلوی ساسانیان است، سیاست‌ورزی به شیوه ایرانیان را زنده نگه دارد تا مانع قوام سیاست‌ورزی به شیوه خلافت شود. آثار ترجمه‌شده ابن‌مقفع و رساله «فی‌الصحابه» در اینجا اهمیت ندارد؛ بلکه مهم ترس خلیفه عباسی از بدن تکه‌تکه ابن‌مقفع است که دستور می‌دهد او را در تنور بیندازند تا مانع بازگشت سیاسی‌اش شود.

شنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۳
۱۸ شوال ۱۴۴۵
۲۷ آوریل ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۸۱۹
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



گفت‌وگو با «همایون اسعدیان» درباره حواشی اخیر شبکه نمایش خانگی و گیشه سینما

زور سرمایه به هنر نمی‌رسد



در «شرق» امروز می‌خوانید: گفت‌وگو با محمد مهدی مجاهدی درباره انتخابات؛ خطای سیستماتیک در شیوه عبرت‌آموزی • قالیباف بانک مرکزی را تهدید کرد؛ برای مدیریت بازار ارز برنامه ندهند مجلس برنامه می‌دهد

شورای اصناف و وزارت امور خارجه نیز به صف منتقدان تعطیلی روز پنجشنبه پیوستند

# تداوم مخالفت‌ها با تعطیلی پنجشنبه‌ها

ساخت‌وسازهای ترکیبی در برنامه توسعه در گفت‌وگو با پژمان جوزی، رئیس انجمن صنعت ساختمان

## ساختمان و گردشگری دریاچه ورود به عصر جدید



این گفت‌وگو در صفحه ۴ بخوانید. عکس: سیندا تگتی-شرق

حسین جابری انصاری در حزب ندای ایرانیان؛

## اسرائیل نباید از حالت قفل‌شدگی‌اش خارج شود



این گفت‌وگو در صفحه ۴ بخوانید. عکس: زینب رستمی

### یادداشت

## سیلی بی‌اعتمادی بر چهره اقتصاد



سید جواد جمالی

کارشناس اقتصادی

در کتاب «در جست‌وجوی شش هزار روز گمشده» به قلم محمد تقی زاده می‌خوانیم: در سال ۱۹۴۶ یک سال بعد از پایان جنگ جهانی دوم، تولید ناخالص داخلی ژاپن حدود پنجاه درصد کمتر از میزان آن در سال ۱۹۳۸، در بحبوحه جنگ با چین بود. علت این امر، انهدام تاسیسات و کارخانجات در طول جنگ و منع واردات مواد خام ذکر شده است. تولید آهن و فولاد به هفت درصد ماقبل جنگ کاهش یافت. در چنین شرایطی می‌توان به عمق فقر و بیچارگی مردم ژاپن پی برد. قبل از جنگ مصرف کالری سرانه به دوهزارو ۲۰۰ کیلوکالری می‌رسید ولی بلافاصله بعد از جنگ تا حد هزارو ۵۰۰ کیلوکالری به علت قحطی مواد غذایی کاهش یافت. سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۰ که از نظر سیاسی-اقتصادی به دوران اغتشاش شهرت دارد، همراه با کمبود کالا و تورم مهارنشده‌ی بود. در این فاصله پنج‌ساله تورم افزایش یافت و قیمت‌ها به طور متوسط ۷۰ برابر شد. این رقم بر اساس قیمت‌های اعلام‌شده از طرف دولت بود. در حالی که در بازار سیاه قیمت‌ها به مراتب بیشتر از این رقم گزارش می‌شد. قیمت‌ها در بازار سیاه در سال‌های ۱۹۴۶ الی ۱۹۴۷ حدود پنج تا هفت برابر قیمت‌های رسمی برآورد شده است. افزایش شدید تورم، موجب تغییراتی در جامعه ژاپن شد. در فوری به سال ۱۹۴۶ با اعلام شرایط اضطراری در نظام پولی و بانکی مقرر شد که مردم به طور اجباری وجوه نقدی خود را به بانک‌ها بسپارند و فقط حق برداشت برای حداقل استفاده روزانه زندگی خود را داشتند. لذا در سال ۱۹۴۶ بیش از ۷۰ درصد حساب‌ها مسدود شد. هر خانواده ژاپنی (والدین و دو فرزند) اجبارا باید با ماهانه ۵۰۰ ین زندگی می‌کردند. خانواده امپراتوری هم، شامل پنج شرط اضطرار و محدودیتی شدند. از این رو در دوران سختی و مصائب حتی خانواده امپراتور نیز خود را ملزم می‌دید که قیدهای وضع‌شده بر افراد جامعه را رعایت کند. مردم ژاپن همواره در بحران‌ها و سختی‌ها، طبقه حاکم را در کنار خود دیداند. قرارگرفتن همه اعضای جامعه، شامل صاحبان مقام و منصب زیر چتر قانون و اعمال بدون تبعیض و برابرگونه قانون برای همگان، حتی برای طبقه فرادستان جامعه باعث شده، ژاپن کشوری با سطح بالایی از اعتماد محسوب شود. پایین‌بودن میزان جرم و جنایت در ژاپن و همچنین پایین‌بودن میزان شکاف طبقاتی در این کشور نشأت‌گرفته از رواج بالای اعتماد در جامعه ژاپنی است.

هاجسون چانگ در کتاب «نینکوکاران نابکار» روایت می‌کند که بریتانیای قرن ۱۵ کشوری ضعیف و ناتوان در مقایسه با قدرت‌های آن دوران اروپا به حساب می‌آمد. پادشاهان سلسله تئودور به ویژه هنری

متوالی در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ وارد رکود جدی شد. در نتیجه این رکود، شرکت‌های ژاپنی در تلاش برای کاهش هزینه‌ها، روش جدیدی را به کار گرفتند. آنها باوجود اینکه مجبور بودند از نیروی کار خود بکاهند، با حفظ نیروی کار مازاد به‌وجودآمده، از تأثیرات اجتماعی ناشی از بی‌کاری در جامعه جلوگیری کردند. در این شرایط مقرر شد حقوق همه افراد شاغل کاهش یابد. در این میان مدیران نیز همگام با سایر افراد از حقوق خود کاستند؛ از این‌رو اقتصاد ژاپن توانست با همکاری همه اعضای جامعه (فرودستان و فرادستان) از وضعیت بحرانی عبور کند.

در نمونه‌های فوق، به مواردی اشاره شد که تولید و خلق اعتماد بین طبقه ممتاز جامعه و آحاد مردم، قادر بوده است شرایط را برای عبور از بحران‌های اقتصادی و در ادامه قرارگرفتن در مسیر رشد و توسعه اقتصادی هموار کند. در طرف مقابل می‌توان کشورهای را نام برد که رفتار منفعت‌طلبانه، سودجویانه و تبعیض‌آمیز صاحبان منصب و قدرت، باعث کدکشدن دیوار بی‌اعتمادی در آن جامعه شده است.

عجم اوغلو در کتاب نابرابری ملت‌ها چنین بازگو می‌کند که موبوتو در کشور کنگو بین سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۶۱ به عنوان رئیس جمهور در مسند قدرت قرار داشت. از اواخر دهه ۱۹۶۰ به این سو موبوتو اقدام به تقویت ابزارهای سرکوبگرانه اداری و مالی کرد. هم‌زمان او کوشید تا هر نوع منابع بدیل برای قدرت سیاسی یا اقتصادی را در هم شکنند و بدین وسیله به مقدار زیادی بر قدرت نسبی چانه‌زنی حکومتش افزود. این استراتژی با اعطای نظام‌مند و فراگیر پادشاه، جوایز و ثروت به هواداران وفادار و نیز با نادیده‌گرفتن کلاهبرداری رسمی و فساد تداوم یافت. به علاوه با حمایت عظیم مالی و نظامی از سوی کشورهای غربی، موبوتو و محفلش قادر به حفظ قدرت و تداوم چپاولشان به نحوی نظام‌مند شدند. اقتصاد کنگو آن‌چنان در سرراشیمی سقوط قرار گرفت که رشد منفی اقتصادی به امری عادی بدل شد و درآمد سرانه به طور میانگین بین سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۹۷ به میزان ۳/۷ به طور سالانه کاهش یافت. طی این سال‌ها یک گروه کوچک از نظامیان و غیرنظامیان وابسته به رئیس‌جمهور موبوتو، شهر کینشاسا را به وسیله پنج هزار نفر گارد وفادار ریاست‌جمهوری، تحت کنترل داشتند. گروهی مشابه، بانک مرکزی را تحت نظارت خود قرار دادند و قدرت اقتصادی را در انحصار خود نگه داشتند. آنچه موبوتو انجام می‌داد، میراثی بود که از حاکمان قبلی کنگو به یادگار دریافت کرده بود.

### برگزیده‌ها

رئیس پلیس راهور فراچا آمار مرگ‌ومیر نوروزی را اعلام کرد

## متهم اصلی مرگ‌ومیرهای جاده‌ای

گزارش تشریح‌رک در صفحه ۴ بخوانید

تیم ملی فوتبال ایران به فینال آسیا رسید

## عبور از برزخ ازبکستان

اوسمار و پرسیولیس با هم حذف شدند

گفت‌وگوی «شرق» با فلاح‌ت‌پیشه درباره رئیسی و کابینه‌اش

## عملکرد دولت سیزدهم قابل دفاع نیست

گزارش «شرق» از مطالبات برجای‌مانده کارگران گروه ملی صنعتی فولاد و اخراج بیش از ۳۰ نفر از آنها

## ما فقط حق‌مان را می‌خواهیم

چرا باید مقابل پروژه امنیتی‌سازی رادیکال‌ها ایستاد

## نگرانی افراطی‌ها از احتمال مذاکره

### خبر

وزیر دفاع روسیه:

## آماده‌گسترش همکاری‌های نظامی با ایران هستیم

وزیر دفاع روسیه در دیدار با همتای ایرانی خود در حاشیه نشست در پایتخت قرقیزستان، آمادگی مسکو برای گسترش همکاری‌های نظامی با ایران را اعلام کرد. سرگئی شویگو، وزیر دفاع روسیه، در دیدار با امیر سرتیپ محمدرضا آشتیانی، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح ایران، گفت روسیه آماده‌گسترش همکاری‌های نظامی با ایران است. خبرگزاری اسپوتنیک در این‌باره گزارش داد که شویگو، دیروز (جمعه) در دیدار با همتای ایرانی خود در حاشیه نشست وزرای دفاع سازمان همکاری شانگهای در آستانه، گفت: ما آمادگی خود را برای پیشرفت و گسترش بیشتر همکاری سودمند دوجانبه نظامی و همکاری نظامی-فنی اعلام می‌کنیم. تأکید شویگو بر آمادگی مسکو برای گسترش همکاری‌های نظامی با ایران، با وجود پانزادبودن ادعای غرب درباره حمایت نظامی ایران از روسیه در جنگ اوکراین انجام شده است.

ایران ادعای عرضه پهپادهای جنگی به روسیه برای استفاده در جنگ اوکراین را رد کرده و همکاری‌های نظامی با مسکو را در چارچوب روابط دفاعی دوجانبه با این کشور دانسته است. مسکو نیز گفته برخلاف اوکراین که برای پیش‌بردن جنگ به تسلیحات و مهمات متحدان غربی خود متکی است، در این جنگ از تولیدات صنایع نظامی داخلی استفاده می‌کند.

ایده در صفحه ۴



شکرستان و زهرستان



رهبر و قابلی خوانی



شکاف حکمرانی



توسعه اقتصاد و جامعه دانش در ایران



آخرین دیپلمات

## انتشارات شرق منتشر کرد